بسم الله الرحمن الرحیم

ویژگی های فردی و اجتماعی منافق از دیدگاه قرآن

پروانه احمدی[1]

چکیده

منافقان افراد دورویی هستند که به دنبال منافع شخصی و گروهی خود می باشند. منافقان دشمنان پنهان مسلمانان هستند در دل نقشه ضربه زدن به اسلام را می کشند و در ظاهر ادعای ایمان دارند. شناخت منافقان به راحتی امکان پذیر نیست. اینکه در تاریخ می بینیم پیامبر جنگید و پیروز شد ولی حضرت علی (علیه السلام) نتوانست مانند رسول الله (صلی اله علیه واله) امور را پیش ببرند جهتش همین است که پیامبر با کفار جنگیدند و حضرت علی(علیه السلام) با منافقین جنگیدند. خطر منافقان برای هر جامعه از خطر هر دشمنی بیشتر است چرا که از یک سو شناخت آنها غالباً آسان نیست و از سوی دیگر دشمنان داخلی هستند و گاه چنان در تارو پود جامعه نفوذ می کنند که جدا ساختن آنها کار بسیار مشکلی است و از طرفی روابط مختلف آنها با سایر اعضاء جامعه، کار مبارزه را با آنها شوار می سازد. افراد دو چهره که معمولا به حسب ویژگی های شخصیتی به دنبال منافع فردی، گروهی و باندی خود هستند، از منظر قرآن دارای ویژگی هایی اند که به راحتی قابل شناسایی می باشند. هدف از نگارش این مقاله بررسی ویژگی های منافقان و توجه دادن مسلمانان به خطر منافقین می باشد. این مقاله به صورت توصیفی_ تحلیلی بر آن است که معیار های منافقین را از منظر قرآن بیان کند زیرا در عصر کنون که دایره ارتباط مسلمان بسیار تنگ تر شده این ضرورت احساس می شود که معیار های شناخت منافقین را بشناسیم. ضرورت از نگارش مقاله هشدار خطر منافقین در جامعه اسلامی می باشد، زیرا دو چهره بودن آنان سبب می شود که به جامعه اسلامی ضربه وارد شود. نفاق بیماری است که فقط به فرد آسیب وارد نمی کند بلکه عامل بازماندن جامعه اسلامی از اهدافش می شود. با توجه به بررسی های انجام گرفته در این مقاله منافق در سخت ترین شرایط ضربه مهلکی بر پیکره دین و انسجام گروهی ایجاد می کند و در نتیجه باید در کارهای تیمی مخصوصا برای اهداف اسلامی افراد متدین و خالص شناسایی شده و از نفوذ افراد دو رو و یا با سابقه مخدوش در پیکره کارهای اسلامی جلوگیری کرد.

کلیدواژه‌ها : منافق، نفاق، ویژگی، یهود

---

[1] طلبه سطح دو، مرکز آموزش های حضوری حوزه علمیه خواهران،حضرت زهرا سلام الله علیها

مقدمه

خطر منافقان برای هر جامعه از خطر هر دشمنی بیشتر است چرا که از یک سو شناخت آنها غالباً آسان نیست و از سوی دیگر دشمنان داخلی هستند و گاه چنان در بطن جامعه نفوذ می کنند که جدا ساختن آنها کار بس دشواری است و از طرفی روابط مختلف آنها با سایر اعضاء جامعه، کار مبارزه را با آنها دشوار می سازد.

منافقان که معمولا به حسب ویژگی های شخصیتی به دنبال منافع خود و یا گروه شان هستند، از منظر قرآن دارای معیار های خاصی می باشند که به راحتی قابل شناسایی هستند. این نوشتار به صورت تحلیلی_ توصیفی قصد نشان دادن بخشی از چهره دورو منافقان از منظر قرآن دارد.

در جامعه اسلامی شناخت دقیق هویت فکری افراد مختلف به ویژه مسؤلان نیازمند بررسی های ویژه است ، در قرآن کریم، معیارهای شناخت دقیق وجود داردکه می تواند مسلمانان را در پیشبرد اهداف اجتماعی موفق گرداند و خطر منافقین در جامعه را ملموس تر انتقال دهد. در این زمینه مقالاتی نوشته شده است از جمله: سیمای منافقین در آیات نوشته سید محمد اسماعیلی، تهران،۱۳۸۸ و یا مقاله منافق در کلام امیرالمومنین علی (علیه السلام) نوشته احمد نیلی زاده، تهران، تابستان۱۳۸۷ در این مقالات به ویژگی های منافقین پرداخته شده است اما این مقاله سعی دارد ویژگی های فردی و اجتماعی را متذکر شود. کتاب هایی نیز نگاشته شده است که عبارتند از: منافق در قرآن نوشته احسانی،رضا،چاپ دوم، انتشارات هدی و یا کتاب یهودیان در چهره نفاق، عباسی، مرتضی،چاپ اول،انتشارات مهر، که در این کتاب نویسنده به بررسی منافقین و شخصیت آنها در صدر اسلام پرداخته است. تفاوت نوشتاری این مقاله با سایر نوشته ها در بررسی ویژگی های خاص منافقین می باشد که با تطبیق آیات و روایات بیان شده است.

مفهوم شناسی

نفاق: نفاق یعنی دو رویی؛ یعنی انسان صورت دیگری ارائه دهد. نفاق یک خصلت مذموم می باشد.[۱] مشتّق واژه «نفاق» دو وجه دارد:

۱- فرهیختگان نفاق را از کلمه«نفق» یعنی «سوراخی در زمین که راه نجاتی به مکان دیگر دارد»گرفته اند[۲]

---

[۱] ابن فارس، ابی الحسن احمد ، معجم مقاییس الغه، ج۲،ص۴۱۱

[۲] همان،ص۴۱۷

۲- برخی آن را مشتّق شده از کلمۀ «نافقاء» یعنی «محلی از لانه موش»،منظور گرفته اند. از این باب که ، موش زمین را از یک سو سوراخ می کند تا اندازه ای که به قشر زمین نزدیک می شود، ولی آنرا سوراخ نمی کند.[۳]

منافق: در لغت منافق به معنای "نفق" می باشد؛ که از راهی وارد دین و از راه دیگری خارج می شود.[۱] معنی اصطلاحی: اصطلاحاً منافق به کسی می گویند که در باطن کافر و در ظاهر مسلمان می باشد. زمانی که پیامبر به مدینه هجرت نمود و بنیان اسلام قوی شد و پیروزی اسلام بر سایرین آشکار گشت موضوع نفاق و منافق در اسلام بیان شد، قبل از آن در مکّه تقریباً منافقی نبود، زیرا در آن زمان مخالفان آشکارا بر ضد اسلام برمی تافتند و از کسی واهمه ای نداشتند دست به نفاق نمی زدند، بعد از هجرت دشمنان تغییر چهره دادند، ظاهرا مسلمان شدند، ولی در خفا به دشمنی خود ادامه دادند.[۲]

نفاق در قرآن و احادیث

واژه«نفاق» به معنای لغوی نخستین بار در قرآن، به معنای انسانِ دو چهره و دو رو بکار برده شده.[۳] چنین اصطلاحی قبل از نزول قرآن نبوده است، واژۀ «منافق» در قرآن به کسی اختصاص دارد که گفتار او با آنچه که در دل اوست ، مخالف است به عبارتی به انسان دو رو منافق می گویند.[۴]

دو معنا به نفاق در قرآن و روایات اختصاص داده شده که عبارت اند از:

۱- تظاهر به مسلمان شدن و در باطن کافر بودن. به نفاق اعتقادی تعبیر می شود و تقریبا، منظور قرآن در تمام مورد هایی که کلمه نفاق را بکار برده است، به همین معنی می باشد. آیه اول سوره منافقون همین معنی را بیان می کند. همانند: «إِذَا جَاءکَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِینَ لَکَاذِبُونَ»

زیرا منافقان پیش تو آیند گویند قسم می خوریم که تو واقعا فرستاده خدایی و خدا می‌داند که تو واقعا پیامبر او هستی و خدا گواهی می‌دهد که مردم دو رو، سخت دروغ می گویند.(و به گفته خودشان ایمان ندارند)

---

[۳] انیس، ابراهیم ، المعجم الوسیط،ج۳،ص۱۳۲

[۱] فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر،ج۳،ص۲۲۸

[۲] قرشی، سید علی اکبر ،قاموس قرآن، ج۷، ص۹۸

[۳] همان،ص۱۵۵

[۴] مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار،ج۵،ص۱۵۶

حالت باطنی منافقین در سوره ی نساء به این صورت بیان شده است:

«وَدُّواْ لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَاء».[1]

به این صورت که خودشان کافر شده‌اند آرزو دارند [شما نیز] کافر شوید تا با هم مساوی بشوید.

در نتیجه در میان مسلمانان کسانی هستند که به دین و درستی آن اعتقاد ندارند ولی به ظاهر خود را مسلمان جلوه می دهند.[2]

۲- در روایات به نفاق اخلاقی اشاره شده است، معنی نفاق اخلاقی در واقع «نبود پای بندی به احکام دین» می باشد. امام سجّاد[علیه السلام] درباره ی نفاق اخلاقی فرموده اند: منافق شخصی می باشد که از کاری منع می کند اما خود آن کار را انجام می دهد و دستور می دهد به انجام آنچه خود،انجام نمی دهد..... و روزش را شب می کند و غمی جز خوردن شام ندارد. با اینکه روزه هم نبوده و چون صبح بیدار شود، غمی جز خوابیدن ندارد، با اینکه شب در بیداری به سر نبرده است.[3]

امام صادق[(علیه السلام)]به نقل از پیامبر [(صلی الله علیه واله)]می فرمایند: «هرگاه خشوع تن بیش از خشوع قلب باشد، این حال از دیدگاه ما نفاق می باشد.»[2] عالِم بی عمل و شخص ریاکار افرادی هستند دچار نفاق اخلاقی و فردی می باشند.

اهل نفاق به دلیل خباثت درونی که کل ویژگیهای زشت میباشدمثل سنگدلی، اصرار به گناه، حرص و طمع دنیا، دروغ‌گویی، بی‌وفایی، خیانت.[4] در پایین‌ترین درجات از جهنم جای خواهند گرفت، جایی که هیچ یار و یاوری دردسترس نباشد. «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً» همانا منافقین در پست‌ترین جایگاه جهنم (آتش) قرار خواهند گرفت و هیچ یاوری نخواهند داشت.[1]

بی شک «خلود» در آتش جهنم از بزرگترین عقوبات میباشد و زمانیکه خداوند به این عذاب ابدی و عقوبت شدید، ذمّ و لعن خودش را نیز می افزاید، نشان از وضعیت بد و بیچارگی و خفّت و ذلّت اهل نفاق دارد.«وَعَدَ اللهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمْ اللهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ» خداوند به

---

[1] نساء،۸۹

[2] عیاشی ، محمد بن مسعود ،تفسیر العیاشی ،ج۲،ص۱۴۸

[3] همان،ص۱۵۹

[2] همان،ص۲۱۱

[4] همان

[1] نساء، ۱۴۵

مردان و زنان منافق و همچنین کافران، وعده آتش دوزخ داده که ابدی در آن می‌مانند، همان برای آنان بس است(بالاترین عذاب ممکن میباشد) و خدا آنها را از رحمتش دور ساخته و عذاب همیشگی برای آنان است.[۲]

خصوصیات فردی منافقان

۱- خود بزرگ بینی: نفاق در دل کسانی وجود دارد که خود را از دیگران بزرگتر و بالاتر می‌دانند زیرا با مردم همراه نخواهند شد و به همین دلیل مؤمنان را استهزاء و مسخره می کنند. تا از این سو دل بیمار خود آرام کنند، از سوی دیگر مردم را در عمل به کارهای نیک و دلسرد نمایند و جامعه را از پیشرفت باز دارند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلاَ إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ ...»[۳] و چون به ایشان گویند: ایمان آورید چنانکه دیگران ایمان آوردند؛ گویند: چگونه ایمان آوریم مانند بیخردان؟! آگاه باشید که ایشان خود بی‌خردند ولی نمی‌دانند.، «... قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ» [۴]،«الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لاَيَجِدُونَ إِلاَّ جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ ...»[۵]. آن کسانی که عیب‌جویی می‌کنند بر آن مؤمنانی که به صدقات مستحب فقیران را دستگیری می‌کنند و همچنین مسخره می‌کنند مؤمنانی را که از اندک چیزی که مقدور آنهاست هم (در راه خدا) مضایقه نمی‌کنند، خدا هم آنها را البته مسخره و مجازات می‌کند و به آنها عذابی دردناک خواهد رسید.»

۲- ریاست طلبی: این خصوصیت افرادی است که شجاعت همراهی با آحاد مردم را در وجود شان نمی باشد و به همین دلیل نفاق درونی در آنان شکل می گیرد تا فرد با دورویی، جاه‌طلبی خویش را بر طرف نماید تا زمانی که به ریاست برسد،این موضوع نیز در عصر حیات رسول‌الله(صلی الله علیه واله) و هم پس از رحلت ایشان و نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است .[۱]

۳- ضعف روحیه: روحیه ضعیف و نبود ثبوت در شخصیت از خصوصیات پیروان اهل نفاق می باشد، که تحت تأثیر رهبران و بدون تأملی دست به هر کاری می زنند. حدیثی از امام علی(علیه السلام) آمده

---

[۲] توبه، ۶۸

[۳] بقره، ۱۳

[۴] بقره، ۱۴

[۵] توبه، ۷۹

[۱] مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج۵،ص۱۲۳

يُحَادُّونَ اللهَ وَرَسُولَهُ أُولئِکَ فِي الْأَذَلِّينَ» کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند، آنها در زمره ذلیل‌ترین افراد هستند[۲]

۹- تظاهر به ایمان حقیقی: منافقان جهت پیشبرد اهداف شوم خود و ضربه زدن به اسلام، «نقاب ایمان» می زنند.زیرا به خدای رسالت رسول اکرم(صلی الله علیه واله) اعتقادی ندارند، و ریشه در باطن‌های متکبّر و دل‌های بیمار آنها دارد، چنان که خود اقرار دارند که «ما به چیزی ایمان آوریم که سفیهان و نا اهلان به آن ایمان آورده‌اند» «... قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ...»[۳]و این نافرمانی در برابرپروردگارسبب فرو رفتن آنها در پلیدی‌و گمراهی می‌شود. «وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَاناً فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَاناً وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ - وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْساً إِلَى رِجْسِهِمْ و ...»زمانی که آیه‌ای فرستاده می‌شد برخی از منافقان می‌گفتند: بر «ایمان» کدام یک از شما افزوده شده است؟ بگویید، آنان که ایمان دارند به ایمان‌شان اضافه می شد و به رحمت خدا مژده میدهند و امّا آنهایی که روحشان بیماراست بر پلیدیشان اضافه میگردد.[۴] پروردگاردر آیات متعددی، نداشتن ایمان آنان به پروردگارو پیامبرش را اعلام و خروج ایشان از دایره ایمان و اسلام را بیان کرده است.«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللهِ وَبِالْيَوْمِ الأخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» در بین مردم کسانی هستند که می‌گویند به پروردگارو روز قیامت ایمان آورده‌ایم در حالی که ایمان ندارند[۵]«... وَكَفَروا بعد اسلامهم ...» ... و بعد از اسلام ، کافر شدند.[۶]«... ذلِکَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَاللهُ لاَيَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» ... آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.[۱]« إِذَا جَاءَکَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللهِ وَاللهُ يَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ وَاللهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ...» هنگامی که منافقان آمدند و گفتند ما شهادت می‌دهیم که تو فرستاده خدایی، و خدا نیز گواهی می‌دهد که تو رسول او هستی ولی منافقان دروغ می‌گویند.[۲]

اهل نفاق شامل زن و مرد «آمران» به منکرات هستند و منکر هم، همه قبایح و پلیدی را شامل میشود که بزرگترین آنها انکارپیامبر(صلی الله علیه واله) میباشد؛آنان«ناهیان» از معروف‌اند و معروف نیز همه خوبی‌ها و

---

[۲] مجادله، ۲۰
[۳] بقره، ۱۳
[۴] توبه، ۱۲۴ و ۱۲۵
[۵] بقره، ۸
[۶] توبه، ۷۴
[۱] توبه، ۸۰
[۲] منافقین، ۱

زیبایی‌ها را شامل میشود که بزرگترین آنها ایمان به پیامبرمیباشد. پس همانطور که آنها اغفال شده و خدا را ازیادبردند، خدا هم «یاد آنان» را با قطع رحمت و احسان خودش، ازیادبرده است.[۳]

اهل نفاق به خاطر کفر باطنی که در جانشان نفوذ کرده، به فکرشان هم نمی رسد که خدا بر آنها حق اطاعت و شکر دارد. به خاطرهمین در هیچ عملی خدا را به خاطرنمی آورند و از هواهای نفسانی، ریا و وسوسه شیطان و ... اطاعت نمی‌کنند. در برابرآنان را مجازات کرده و فراموش می‌کند که محروم شدن از فواید «ذکرالله»، فضیلت تقرّب به خداوند و نیز ثوات آخرت را در پی خواهد داشت.[۴]

نتیجه:

یکی از مباحث مهم در سوره‌های قرآن، مسأله «نفاق» می باشد. منافق به معنای «دورو» یا «دو چهره» می باشد. منافقان نه اخلاص و شهامت برای ایمان آوردن دارند و نه قدرت و جرأت بر مخالفت علنی، با نفوذ و ادعای دروغین به ایمان در بین مسلمانان نفوذ کرده اند و از آنجا که ظاهرخود را حفظ می کردند، غالباً شناسایی این افراد مشکل بود، که قرآن کریم با بیان ویژگی های دقیق باطن آنها را آشکار می‌سازد. از آنجا که اسلام در طول تاریخ خود بیشترین ضربه را از منافقان خورده است، سخت‌ترین حملات خود را متوجّه منافقان ساخته و آنقدر که آنها را کوبیده هیچ دشمنی را نکوبیده است.

قدرت منافقین سبب «فساد» در روی زمین میباشد. اولین تاثیر این فساد، فساد در ایمان شخص منافق می باشدکه سبب ایجاد فسادهای بعدی نیز می شود. در روابط اجتماعی مؤمنان همیشه با «امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها و زشتی‌ها» قصد اصلاح جامعه و ازبین بردن آن از آلودگی و فساد می باشند، اما منافقان در برابرآنان همیشه امر به بدی‌ها و زشتی‌ها و نهی از خوبی‌ها می‌کنند. «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ ...» مردان و زنان منافق یکدیگر را به بدی‌ها و منکرات و نهی از خوبی‌ها تشویق می‌کنند. زمانی هم به آنها امرمی‌شود «فساد» نکنید، منکر می شوند و ادعای مسلمان بودن دارند.

---

[۳] بخاری ، صحیح ،ج۴،ص۱۱۴

[۴] پاینده ، ابو القاسم ، نهج الفصاحه ، ص۲۰۱

خداوند اعتقاد آنان را نمی پذیرد و عدم درک مفسده جویی‌هایشان را از «بی خردی» آنان می داند. کفر منافق بدتر و زشت‌تر از کافر می باشدزیرا کافر در «کفرش» قصد ندارد.

منافقان در انجام کارهایشان با برنامه‌ریزی و به صورت تیمی انجام می دهند، تأثیر اعمال خلاف و زشت آنان نیز بسیار عمیق و باعث فساد در جامعه می شود.جریانات تاریخی مصداق همین معناست ،در امر دین و دنیا تصرّفاتی کردند که نتیجه بارز آن برای دین و انحطاط برای مسلمین و اختلاف در امّت بود.

نتیجه خودکامگی‌ها منافقان ، از بین رفتن دین، و نابودی انسانیت بود. در نگاهی اجمالی، مطابقت عملکرد آنان با آنچه در این مقاله آوردیم به وضوح دیده می‌شود. این بیانگر اعجاز قرآن است که آیات آن حتی در مواردی که شأن نزول خاص دارد، عمومیت داشته و برای همه زمان‌ها کاربرد دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

منابع فارسی:

۱.باقر ساروخانی، **دائرۀ المعارف علوم اجتماعی**، تهران؛ کیهان، ۱۳۷۰ش.

۲.رحیمی، عباس ،**اهمیت و ظرافت حق الناس**، چاپ سوم،قم،نشر جمال ، ۱۳۸۹ش.

۳. فیض الاسلام، علی نقی، **ترجمه وشرح نهج البلاغه(فیض الاسلام)** ، تهران ، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۵ق.

۴.قرائتی، محسن ،**گناه شناسی**،چاپ هشتم ،تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۶ش.

۵.مجاهدی، محمدعلی ، ***پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان***.قم، سرور ، ۱۳۸۸ش.

۶.مجتبوی، جلال الدین؛ ***علم اخلاق اسلامی***، چاپ چهارم، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ ش.

۷.مرتضی مطهری، **مقدمّه ای بر جهان بینی اسلامی**، وحی و نبوت، صدرا.۱۳۷۰ش.

۸.مصباح یزدی، محمدتقی ، ***نظریه حقوقی اسلام***، نگارش محمدمهدی نادری و محمدمهدی کریمی نیا، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۰ش.

۹.مکارم شیرازی ، ناصر ، ***تفسیر نمونه*** ، چاپ پنجم، تهران ، انتشارات دار الکتاب الاسلامیه ، ۱۳۷۵ش .

۱۰.موسوی همدانی ، محمد باقر، ***ترجمه تفسیر المیزان*** ، قم ،دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۳۶۳ش.

۱۱.موسوی زاده حلاج، علی؛ «**بررسی شیوه‌های دعوت انبیای اولوالعزم در قرآن**»؛ رساله کارشناسی ارشد چاپ نشده؛ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷ش.

۱۲. منشی، احمد؛ «**نقش اخلاق در تبلیغ دین**»؛ درسهایی از مکتب اسلام، شماره ۶۵۲، ۱۳۹۰ش.

۱۳. مشرقی، حسین؛ «**اهمیت تبلیغ و جایگاه آن در فرهنگ دینی**»؛ اندیشه حوزه، شماره ۶، ۱۳۷۵ش.

منابع عربی

۱۴.ابن فارس، ابی الحسن احمد ، ***معجم مقاییس الغه***، تحقیق: محمدعبدالسلام،.قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.

۱۵.انیس، ابراهیم ، ***المعجم الوسیط***،تهران ، نشر اسلامی، ۱۳۸۹ش.

۱۶.بخاری ، ***صحیح*** ، دار إحیاء التراث العربی ، بیروت ، بی چا ، بی تا .

۱۷.پاینده ، ابو القاسم ، ***نهج الفصاحه*** ، چاپ پنجم ، اصفهان ، خاتم الانبیاء ، ۱۳۸۳ش .

۱۸.حر عاملی ، محمدبن حسن ، ***وسائل‌الشیعهٔ*** ، قم ، موسسه آل البیت ، ۱۴۰۹ق.

۱۹.حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعه ، ***تفسیر نورالثقلین***، تصحیح : هاشم رسولی‌محلاتی، قم، انتشارات اسلامی ، ۱۳۸۲ش .

۲۰.خوانساری، محمد ، ***شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید*** ، قم ، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۰۴ش.

۲۱.عیاشی ، محمد بن مسعود ،***تفسیر العیاشی*** ، تهران ،انتشارات علمیه ، ۱۳۸۰ق .

۲۳.فرج الصده، عبدالمنجم ، ***اصول القانون***، بیروت، دارالنهضهٔ،۲۰۰۸م.

۲۴.فیومی، احمد بن محمد، ***المصباح المنیر***، چاپ اول، قم، منشورات دار الرضی ، بی‌تا.

۲۵.مجلسی، محمدباقر؛ **بحارالانوار**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۵.

۲۶.محمدی ری شهری ، محمد ، ***میزان الحکمهٔ***، قم ، دار الحدیث ، ۱۳۸۹ش.

۲۷.نراقی، ملا احمد؛ ***معراج السعادهٔ***، چاپ پنجم ،تهران ،انتشارات هجرت ،۱۳۷۷ ش .